

خانه ای با معماری اسرار آمیز

ZENDEGI-SALAM

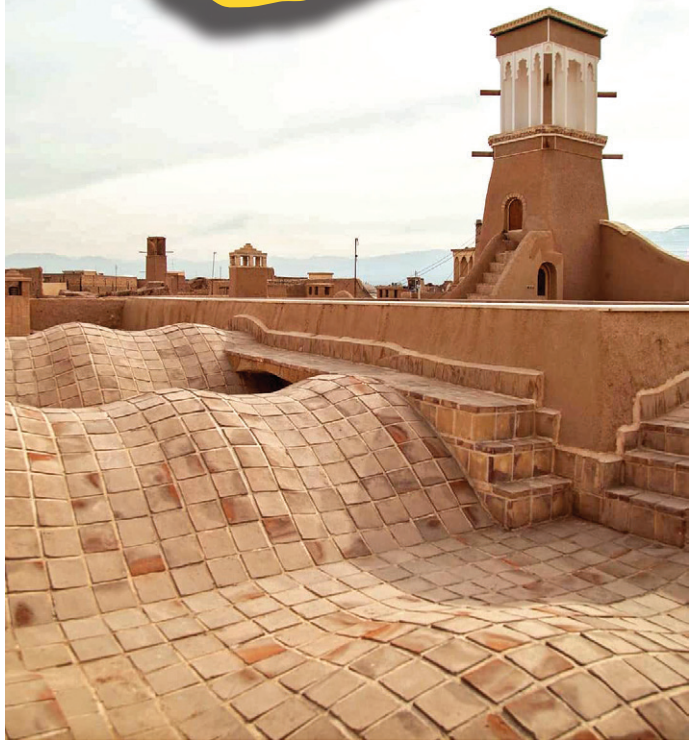
ضمیمه روزنامه خراسان

یک شنبه ۷ خرداد ۱۴۰۲

۸ دی القعه ۱۴۴۴ • ۲۸ می ۲۰۲۲

شماره ۲۱۲۲۲

۲۴۴۲



آشنایی با «خانه اخوان» در بافت تاریخی کاشان
که به دلیل داشتن معماری چشم نواز و بی بدیل
تصاویرش بارها در شبکه‌های اجتماعی
پربازدید شده، قیمتش به ۱۰۰ میلیارد رسیده
و گفت‌وگو با معمار آن

مجید حسین زاده | روزنامه‌نگار

پرونده

کاشان به‌عنوان یکی از تاریخی‌ترین شهرهای ایران به داشتن خانه‌های بزرگ، زیبا و قدیمی شهرت دارد. بسیاری از افراد با دیدن تصاویر خانه اخوان که در بافت تاریخی شهر کاشان قرار دارد، تصور می‌کنند که این بنا متعلق به صدها سال پیش است و یک خانه با قدمت زیاد محسوب می‌شود، اما ماجرا آن جایی پیچیده می‌شود که متوجه شوید قصه ساخت و مرمت این خانه به شکل فعلی برمی‌گردد به اوایل سال ۱۳۹۰. بله، تقریباً ۱۰، ۱۲ سال پیش بوده که جرقه ساخت این خانه در ذهن مهندس «کیارش اقتصادی»، معمار این خانه زده می‌شود؛ البته با بازسازی کامل و تغییر معماری یک خانه قدیمی. او یک مرمیگر، کارشناس ارشد معماری دانشگاه تهران را گرایش بوم‌گرایی و این روزها یکی از تئورسین‌های بوم‌گردی در ایران است. این خانه هم که تصاویرش را در گوشه و کنار همین صفحه می‌بینید، حاصل ذوق او در معماری است. در پرونده امروز «زندگی سلام»، ضمن آشنایی بیشتر با این خانه، به سراغ معمار آن رفتیم تا درباره جزئیات شنیده شده از ساخت این بنا و چالش‌هایش، دلیل تصمیم به پیاده‌سازی این سبک معماری و... گفت‌وگویی داشته باشیم که در ادامه خواهید خواند.

خانه اخوان کجاست؟

اگر سری به شهر تاریخی کاشان به‌عنوان یک گردشگر بزنید، تابلوها خیلی سریع شما را به سمت بافت تاریخی این شهر راهنمایی می‌کنند. البته علاوه بر خانه‌های تاریخی اسرارآمیز، آیین سنتی گلاب‌گیری کاشان هم در فصل بهار، گردشگران زیادی را به این خطه می‌کشاند. خانه اخوان در بافت تاریخی این شهر، خیابان فاضل نراقی، کوچه مسجد آقابرگ قرار دارد. می‌گویند آن‌جا از هر کسی پرسید، خانه اخوان کجاست، نشان‌تان می‌دهد. خانه اخوان کاشان کنار خانه نقلی است و در محله گذر آب انبار خان واقع شده است. جالب است بدانید که خانه نقلی هم ۲۰ سال پیش توسط معمار خانه اخوان، بازسازی شده است. دیدن عکس‌های این خانه جذاب و تصور کردن خود در چنین فضایی، چه برای کسانی که علاقه‌مند به برج‌های مرتفع‌اند و چه کسانی که دلشان می‌خواهد در یکی از خانه‌های قدیمی کاشان زندگی کنند، تجربه‌ای لذت‌بخش و متفاوت محسوب می‌شود. قصه این خانه هم برمی‌گردد به اوایل سال ۹۰ که یک معمار تصمیم به خرید این خانه تاریخی، اما ویران شده می‌گیرد. خانه‌ای شامل



یک بخش اصلی و یک حیاط پشتی که چیزی جز ویرانه از آن نمانده بود. کیارش اقتصادی، کارشناس معماری و علاقه‌مند به خانه‌های بومی، تخصص خود را در این سازه به کار می‌برد تا خرچی‌کارش، تحسین هر بیننده‌ای را برانگیزد.

چرا همه فکر می‌کنند

این خانه تاریخی است؟

برای توضیح این خانه در فضای مجازی، هشتگ خانه قدیمی یا یک خانه تاریخی فوق‌العاده زیادهار کاشان و... زیاد به چشم می‌خورد. جنس مصالح ساختمانی استفاده شده مثل کاهگل در ساخت این خانه شاید دلیل اولیه این استدلال برای خیلی‌ها در شبکه‌های اجتماعی باشد که این خانه تاریخی است. البته از آن‌جا که یکی از وجوه بارز گردشگری در کاشان خانه‌های تاریخی است این استدلال اشتباه‌رشدید کرده است. البته اگر انصاف به خرج دهیم، علاوه بر کاهگلی بودن، یک سری مشخصه‌های دیگر هم هست که اصرار سازنده آن را به تاریخی بودن نشان می‌دهد مثل شباهتش به معماری گودال باغچه که به نوعی ویژگی کاشان است یا قوس‌های به کار رفته در این سازه که از مشخصات معماری گذشته است. همچنین نوع پله‌ها، کف حیاط و... ذهن را به سمت تاریخی بودن این خانه، فریب می‌دهد.

معماری ایرانی را در شکلی نوآورانه اجرا کردیم

مهندس «کیارش اقتصادی، معمار خانه اخوان از ماجرای خرید آن، تلاش ۴ ساله برای ساخت این خانه، چالش‌هایش، قیمت آن و... می‌گوید وقتی یکی از دوستان مهندس اقتصادی که اهل کاشان است، با او تماس می‌گیرد و پیشنهاد خرید یک خانه تاریخی در آستانه نابودی را می‌دهد، او تصمیم می‌گیرد در زمینی با متراژ حدود ۵۰۰ متر که چیزی از شکوه گذشته‌اش باقی نمانده است، ذوق و هنر معماری‌اش را به کار بگیرد. با او در همین باره گفت‌وگویی داشتیم که خواهیم خواند.

سال ۹۰ می‌خواستند این خانه را کلا خراب کنند



حیاط خانه پیش از مرمت

به عنوان اولین سوال به او می‌گویم که این خانه بر ای هر بیننده‌ای هیچ تفاوتی با یک خانه تاریخی ندار و باورش سخت است که سال ۹۰ یعنی تقریباً ۱۲ سال پیش ساخته شده باشد، چه شد که تصمیم به خرید و ساخت این خانه گرفتید؟ مهندس اقتصادی می‌گوید: «اکبر رضوانیان، یکی از دوستان من است که در کاشان زندگی می‌کند. ۱۲ سال پیش بود که با من تماس گرفت و گفت که خانه‌ای در کنار خانه نقلی شان هست که صاحبش می‌خواهد آن را بفروشد و کلا خرابش کند. او به من گفت این خانه یک حوضخانه دیدنی دارد که نباید اجازه بدهیم نابود شود. من هم یاری گرفتم و این خانه با متراژ حدود ۴۵۰ متر را در همان سال به قیمت ۵۰ میلیون تومان خریدم تا با مرمت و ساخت آن، کاری کنم که بماند».

دیوارها را با یک ساختیم که کمتر جا بگیرد

او درباره معماری خاص این خانه و دلایل جذاب بودن آن که چشم هر بیننده‌ای را به خودش خیره می‌کند، می‌گوید: «آن بخش از خانه که چشمگیرتر به نظر می‌رسد، یک حیاط به معماری گودال باغچه بوده که دو سوم آن را بریده و جدا کرده و سپس نوسازی کرده‌ایم. آن زمان از این خانه تاریخی یک باریکه مانده بود نیمه خراب، گود و با دیوار آجری یکدست بلند در همان سویی که الان نوسازی شده است. کمبود جا و نیاز به ساخت جای دوش گرفتن و آبریزگاه در این خانه، بی‌آن که ناجور به چشم‌آید، مرا به این سو کشاند که جای دوش گرفتن‌ها را همچون خمره و گلدان بسازم که بیرون زدگی آن‌ها چشم‌نواز باشد. دیوارها را با یک ساختیم که کمتر جا بگیرد؛ برای همین، از دو سو خمیده‌اند تا پایدارتر باشند».

تلاش کردم معماری ایرانی را در شکلی نوآورانه جای دهم

«همان روز‌ها خودم را با شگفتی سرزنش می‌کردم که این چه دیوانگی است که برای معماری این خانه به کار گرفتی و انجام می‌دهی؟» مهندس اقتصادی با این مقدمه می‌افزاید: «من که سال‌ها در کاشان در چارچوب میراث فرهنگی کار کرده بودم، تلاش می‌کردم ارزش‌های پایه‌ای معماری ایرانی را در این ریخت‌نواورانه جای دهم. برای نمونه، دوش‌های خمره‌ای و گلدانی که در این خانه ساختیم، مانند گرما به‌های ایرانی، گردش جان افشانی دارد، جای دست‌ها باز و جای پاها تنگ‌تر است و... همچنین این که گشایش این خانه در میانه‌ها باشد و گردش دور تادور آن، شاید این گردش خمیده در دیوارها را بتوان در کوچه باغ‌ها و گذرهای خانه‌های روستایی

آقای اخوان که خریدار بعدی آن است، معروف شد؟ او می‌گوید: «آن روزها دوستانی را که آمادگی و تمایل به خرید خانه‌های ریشه‌دار ایرانی داشتند، فرا می‌خواندم. ابتدا خانه دیگری به آقای اخوان نشان داده بودم، دقیقاً با همین بها و قیمت، اما ایشان این یکی را پسندید. من هم آن یکی دیگر را برداشتم. درباره نام این خانه هم باید بگویم، هنگامی که من این خانه را خریدم، به نام خانواده‌ای که سال‌ها در آن زندگی می‌کردند، خانه عصار نام‌گذاری کردم. همین نام روی این خانه بود تا این که یک مهمان خانه اخوان، نام ایشان را با عکس‌های خانه و توضیحاتی درباره آن در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد و این خانه به نام خانه اخوان معروف شد».

الان قیمت این خانه شاید ۱۰۰ میلیارد شده باشد

این خانه سال‌ها پیش به بابک اخوان، کارآفرین حوزه پوشاک الیاف طبیعی که اهل تهران است و دلبسته بافت تاریخی کاشان فروخته می‌شود. گفته می‌شود که قرار است به مجموعه اقامتی تبدیل شود تا دیگران هم کمی از لذت زندگی در این خانه را بچشند. از مهندس اقتصادی درباره قیمت فعلی این خانه و آخرین وضعیتش می‌پرسم که می‌گوید: «شاید الان قیمت آن به ۱۰۰ میلیارد تومان هم رسیده باشد. آقای اخوان که صاحب فعلی خانه است، در نگهداری آن از توانمند است و آقای مهندس ابوالفضل مزرعتی هم، مدیر داخلی آن جا و بسیار کوشا و هوشیار است. تاجایی که اطلاع دارم، مهمان‌هایی که آشنا هستند با هماهنگی به آن جا می‌روند و چند روزی ساکن می‌شوند، ولی تا این هنگام، خانه‌شان شخصی است و فراخوان همگانی ندارد».

زندگی در این خانه‌ها، آدم را سرزنده می‌کند

او که معماری با سابقه و علاقه‌مند به بوم‌گردی است، در پاسخ به این سوال که آیا در آینده باز هم خانه‌ای با چنین معماری خواهد ساخت و این که شخصاً زندگی در خانه‌های آپارتمانی را ترجیح می‌دهد یا خانه‌های تاریخی مثل خانه اخوان، می‌گوید: «در باره نمونه مشابه باید بگویم که سبک معماری هر جایی را به فراخور خودش پیش می‌بریم. درباره زندگی در خانه تاریخی هم بسیار دوست داشتم در یک خانه حیاط‌دار با معماری ریشه‌دار ایرانی زندگی کنم، ولی این در تهران دشوار بود و خانواده من دوست داشتند در تهران بمانند. اکنون زندگی خانوادگی من در تهران و آپارتمان زندگی آمیخته با کار و راهی شدن، در خانه‌های بومی است؛ تجربیات و مشاهدات من هم حکایت از این دارد که سکونت در خانه‌های بومی و تاریخی، کودک درون مردم را شگفت‌زده و سرزنده می‌کند. البته برخی کارشناسان هم به دست‌بردن من در معماری ریشه‌دار کاشان خرده می‌گیرند؛ زیرا این‌ها در معماری بومی کاشان نیست، ولی گمان می‌کنم به ویژگی‌های نهان معماری بومی کاشان در این ساختمان بها داده و کار را با منطق و کارکردان پیش برده‌ام».



دید و دلیل انتخابم این بود... ساخت این خانه ۴ سال طول کشید

از مهندس اقتصادی می‌پرسم که ساخت این خانه چند سال طول کشیده و از برنامه‌هایی بگوید که برای معماری این خانه مدنظر داشته است. او این‌طور پاسخ می‌دهد: «گمانم چهار سال در حال ساخت این خانه بودیم و شبانه‌روز، تلاش می‌کردیم. همان جایی در همین خانه که در حال ساخت بود با آقای اخوان و دوستان دیگری مانند آقای کارفرمی‌ماندیم و زندگی می‌کردیم. شب‌های تابستان بر بام می‌خوابیدیم و ساخت آن را گام به گام و با دهاء پیش می‌بردیم. شاید باور نکنید، اما این‌طور نبود که نقشه معماری آن را ۱۰۰ درصد از قبل بدانیم، اصلاً نقشه‌نکشیده بودیم، چون آن جازندگی می‌کردیم و می‌دیدیم. پس از آن که زمانی از یک گام در مسیر معماری آن می‌گذشت، گام‌های دیگری پیش‌روی‌مان باز می‌شد و سپس تصمیم می‌گرفتیم که معماری خانه را به چه سمت و سویی ببریم».



حوضخانه‌ای که ده‌لیزی کرده و در حیاط خانه پیاده‌وار آن را زیر باغچه حیاط پیاده‌وار پیاده‌وار

دیوارهای این خانه، آرامش‌زاست

تماشای این خانه و زندگی در آن، نوستالژی است و حس آرامش خاصی به انسان می‌دهد. مهندس اقتصادی در این باره از لحاظ معماری به ماجرا نگاه می‌کند و می‌گوید: «همان طور که در تصاویر هم مشخص است، دیوارهای این خانه از دو طرف خمیده است. خمیدگی، نرمش است و نرمش جان‌افزاست که آن را در عنصر باد می‌بینیم. گمانم خشکی زندگی ماشینی در این روزها در میان شیشه و آهن و بتن، نیاز ما را به این نرمش‌های جان‌افزا بیشتر می‌کند. از سوی دیگر، پایداری ایستایی بر پایه خمیدگی، ما را به سرشت آفرینش نزدیک می‌کند، آن جایی که نه به زور تنش و سختی زیاد بلکه با شناخت راه‌های سرازیر شدن نیروی باربری به سوی زمین، سبک‌بالت را پایداری ایستایی را فراهم می‌کنیم».

نام این خانه، خانه عصار بود اما...

از مهندس اقتصادی می‌پرسم چه شد تصمیم به فروش این خانه بعد آن همه زحمتی که برایش کشیدید، گرفتید و چرا این خانه به نام شما معروف نشد و به نام